

بررسی میزان سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی خانواده و رابطه آن‌ها با گرایش والدین به تبعیض جنسیتی میان فرزندانشان (مطالعه موردی: والدین شهرستان جوانرود)

سیدحسن حسینی*

سینا احمدی**

چکیده

این مطالعه درصدد بررسی رابطه اشکال سه‌گانه سرمایه و گرایش به تبعیض جنسیتی در بین والدین است. تبعیض جنسیتی و انواع سرمایه (اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی)، به‌منزله مفاهیم کلیدی در جامعه‌شناسی، از اهمیت خاصی برخوردارند. از میان متفکران معاصر بوردیو بیش از همه به این مفاهیم توجه کرده است. به نظر وی جایگاه عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه این عوامل تعیین می‌کند. این سرمایه است که به فرد اجازه می‌دهد سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت بگیرد. از طرفی با توجه به این‌که والدین تأثیر شگرفی در فرزندان و سرنوشت آن‌ها و مخصوصاً دختران دارند، پس میزان سرمایه والدین می‌تواند به‌منزله یکی از متغیرهای تأثیرگذار در گرایش والدین به تبعیض جنسیتی بررسی شود. علاوه بر دیدگاه بوردیو، از نظریات فمینیستی در مبانی نظری استفاده شده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه و نمونه‌ای ۳۸۵ نفری از والدین شهرستان جوانرود گردآوری شده است. نتایج این پژوهش بیان‌گر رابطه معنادار بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و اجتماعی والدین و گرایش آن‌ها به تبعیض جنسیتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. از سوی دیگر، نتایج تحلیلی پژوهش

* دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران hosseini_1332@yahoo.com

** مدرس و دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی (نویسنده مسئول) sinaahmadi25@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱

نیز بیان‌گر آن است که مجموع سرمایه‌های فوق همراه با متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و محل سکونت) ۲/۲۴ درصد از متغیر گرایش به تبعیض جنسیتی را تبیین می‌کند و در این میان سرمایه فرهنگی بیشترین نقش تبیین‌کنندگی را دارد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، تبعیض جنسیتی، خانواده.

۱. مقدمه

خانواده، به‌منزله عاملی قدرتمند در تعیین روابط اجتماعی و مشخص‌کننده جایگاه اجتماعی، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است، زیرا خانواده از بنیادی‌ترین نهادهای جامعه است که تعادل و تضاد در آن به جامعه منعکس می‌شود و در آن تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، ثبات و هماهنگی آن حائز اهمیت است. از دیدگاه میلِت (Millet)، خانواده با آموزش و ارزش‌گذاری نقش‌ها و پایگاه‌ها برای هر جنسیت نقش مهم و تأثیرگذاری در انتقال و درونی‌کردن ایدئولوژی مردسالاری دارد (Donovan, 2001: 159). بر این اساس، خانواده و به ویژه والدین یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری فرزندان محسوب می‌شوند. از آن‌جا که خانواده اصلی‌ترین واحد اجتماعی است و هر انسانی اولین مراحل جامعه‌پذیری را در کانون خانواده پشت سر می‌گذارد، بنابراین، اولین نمونه‌های نابرابری جنسیتی را نیز در خانواده تجربه می‌کند.

موقعیت‌ها و فرصت‌هایی را که خانواده‌ها برای فرزندان خود فراهم می‌کنند یکی از عوامل مؤثر در حضور آن‌ها در موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. در بسیاری از موارد نگرش‌ها به جنسیت (sex) باعث می‌شود که این فرصت‌ها به صورت برابر برای فرزندان دختر و پسر فراهم نباشد؛ از طرف دیگر، خود این نگرش (attitude)‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی‌اند. میزان سرمایه خانواده (family capital) یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در نگرش والدین است که از طریق فرایند جامعه‌پذیری اعمال نفوذ می‌کند.^۱ سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار باشد (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سرمایه هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌ای اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی، که در این صحنه حاصل می‌شود، مؤثر واقع شود (استونز، ۱۳۸۳: ۳۳۵). هر چه میزان سرمایه خانواده بیشتر باشد ثبات و هماهنگی در آن بیشتر است. ثبات و

هماهنگی در خانواده می‌تواند به ثبات در جامعه منجر شود. یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند به این ثبات و هماهنگی کمک کند برابری جنسیتی و فراهم آوردن امکانات لازم برای کسب پایگاه مناسب فرزندان فارغ از جنسیت آن‌هاست. به این ترتیب، سرمایه خانواده متغیر مهمی است و فرض بر این است که هر چه سرمایه خانواده بالاتر باشد، گرایش به تبعیض جنسیتی در میان آنان کمتر است و به دنبال آن امکان حضور و مشارکت زنان در فضاهای اجتماعی بالاتر می‌رود.

از طرفی، به دنبال طرح مسئله نابرابری‌های طبقاتی، نژادی، قومی، و سایر نابرابری‌های اجتماعی در جوامع غربی و سپس سایر جوامع، اذهان عمومی متوجه نابرابری‌های حاصل از تمایزات جنسیتی شد. اگرچه این مسئله در جوامع گوناگون به شیوه‌های مختلفی طرح شد، ولی عامل مشترک در تمامی آن‌ها رشد آگاهی افراد جامعه به تفاوت‌ها و سپس نابرابری‌های جنسیتی در حوزه‌های گوناگون زندگی روزمره بود (آزاده، ۱۳۸۴: ۵۴). عصر ما به طور عام شاهد مسائل و پرسش‌های نیرومندی در باب انسان امروز، از جمله چیستی زنان و مسائلی درباره آنان، بوده است. این پرسش‌ها در آغاز به انسان فارغ از جنسیت او توجه کرده سپس، به طور طبیعی به مسائل زنان معطوف شده است. از جمله مسائلی که زنان با آن مواجه‌اند بحث تبعیض جنسیتی در خانواده است. تبعیض جنسیتی آن گونه تبعیضی است که به واسطه ویژگی‌های ذاتی و یا اجتماعی - فرهنگی زنان بر آن‌ها وارد می‌شود و در دسترسی آن‌ها به فرصت‌های مختلف زندگی تأثیرگذار است و کما بیش در اکثر جوامع دنیا این تبعیض اعمال می‌شود. تبعیض جنسیتی از همان ابتدا و در خانواده با نگرش والدین آغاز می‌شود.

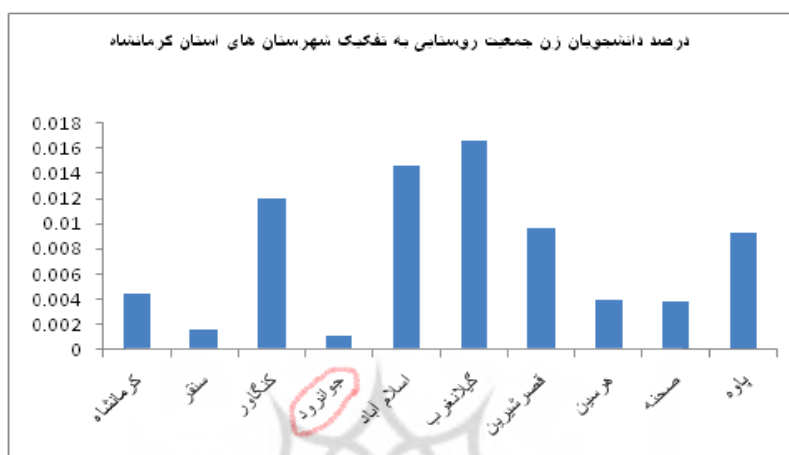
اگرچه در جوامع امروزی، با تأثیر جنبش‌های مختلف حمایت از حقوق زنان، تغییراتی در دیدگاه زنان و مردان درباره نقش و وظیفه هر یک از زن و مرد در خانواده و جامعه به دست آمده است (آزاد ارمکی و غفورنیا، ۱۳۸۰) و آمارها و شواهد از بهتر شدن وضعیت زنان و دختران و تغییر پایگاه آنان حکایت می‌کنند، ولی بر طبق پیش‌فرض‌هایی شدت و عمق تغییراتی که به صورت عینی و واقعی در موقعیت زنان پدید آمده است نسبت به تغییرات ذهنی و دیدگاه اعضای جامعه در مورد زن بسیار کمتر است؛ یعنی به نظر می‌رسد که جایگاه زن در ذهنیت جامعه بالاتر از جایگاه زن در عینیت است (راوودراد، ۱۳۸۱: ۱۳). بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناختی می‌پذیرند که، افزون بر عوامل ساختاری، عوامل ذهنی و شناختی نیز تأثیر زیادی در نابرابری جنسیتی دارند. پذیرش ایدئولوژی و عقاید قالبی

جنسیتی از سوی زنان در بستری از جامعه‌پذیری جنسیتی زمینه را برای بازتولید نابرابری در فضای خانواده فراهم نمی‌کند.

در کشور ما هم اگرچه وضعیت زنان نسبت به گذشته بهتر شده است، اما همچنان تبعیض جنسیتی با درجات متفاوت در استان‌های مختلف دیده می‌شود؛ از جمله عواملی که مانع از تحصیل، اشتغال، و حضور دختران در فضاهای اجتماعی می‌شود نگرش‌های سنتی حاکم بر این مناطق است. در این دیدگاه زنان را خانه‌داری بیش نمی‌دانند و انتظاری بیش از یک کدبانو را نیز از آن‌ها ندارند و زنان نیز چون در چنین فضایی جامعه‌پذیر می‌شوند، و فرصت تجربه فضاهای دیگر را ندارند، عادت‌واره‌هایشان متناسب با این شرایط شکل می‌گیرد. بورديو بر آن است که نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع مدرن حاکم است به گونه‌ای که، ساختارهای عینی اجتماعی، باورهای اجتماعی را شکل می‌دهند و افراد بر پایه این باورها به نحوی عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت می‌شود (Hull, 2002: 35).

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق شهرستان جوانرود، یکی از شهرستان‌های واقع در شمال غربی استان کرمانشاه، است. جوانرود ۶۵ هزار نفر جمعیت دارد و از شمال به شهرستان پاوه و از غرب به کشور عراق و از جنوب نیز با شهرستان سرپل ذهاب همسایه است. مردم این شهرستان کردزبان‌اند. جوانرود در عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و طول جغرافیایی ۴۶ درجه واقع شده است و از جمله مناطق محروم کشور است و هم از لحاظ قومی و هم از لحاظ مذهبی جزء اقلیت‌های کشور است. از طرف دیگر، آمارها و شواهد حاکی از غالب بودن تفکرات سنتی نسبت به زنان در این جامعه است. به گونه‌ای که، از مجموع جمعیت ۲۵۵۹۴ نفری زنان بالای ۱۰ سال فقط تعداد ۲۴۱ نفر معادل ۵ درصد از آن‌ها شاغل بوده‌اند که سهم زنان روستایی در آن فقط ۳۷ نفر بوده است (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۸۸). نسبت باسوادی شهرستان در بین مردان ۸۲/۸۱ و در بین زنان ۷۰/۸۸ درصد بوده است. این نسبت در نقاط شهری برای مردان و زنان به ترتیب ۸۶/۱۶ و ۷۴/۶۰ درصد و در نقاط روستایی ۷۵/۲۶ و ۶۲/۳۷ درصد بوده است. در آبان ۱۳۸۵، از جمعیت ۶ تا ۲۴ ساله شهرستان فقط ۷۵/۲۴ درصد در حال تحصیل بوده‌اند. این نسبت برای مردان ۶۲/۰۲ درصد و برای زنان ۵۲/۴۱ درصد بوده است. نمودار ۱ وضعیت دانشجویان دختر در حال تحصیل در مؤسسات آموزش عالی را به تفکیک شهرستان‌های استان کرمانشاه نشان می‌دهد. مقایسه جامعه مورد بررسی (جوانرود) با مناطق روستایی

شهرستان‌های دیگر درخور تأمل است به طوری که، جامعه مورد بررسی از لحاظ درصد دانشجویان دختر کم‌ترین درصد را دارد.



نمودار ۱. وضعیت دانشجویان دختر در حال تحصیل در مؤسسات آموزش عالی به تفکیک شهرستان‌های استان کرمانشاه

با توجه به مطالب بیان‌شده و همچنین پررنگ‌بودن ارزش‌های سنتی جامعه آماری مورد نظر، در این تحقیق سعی می‌شود تأثیر سرمایه خانواده (فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی) در گرایش والدین به تبعیض جنسیتی بررسی شود.

۲. پیشینه تحقیق

وانگ (Wang) و همکارانش (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی» به این نتیجه رسیدند که حجم و ترکیب سرمایه فرهنگی در میان طبقات اجتماعی متفاوت است و به میزان تحصیلات آن‌ها بستگی دارد. بنابراین، تا آن‌جا که سرمایه فرهنگی در شکل دانش متنوع و شناخت گونه‌های خاص یا نویسندگانی مخصوص به گونه‌ای نابرابر در میان طبقات اجتماعی توزیع شده است، به اعتقاد آن‌ها مالکیت سرمایه فرهنگی می‌تواند منبع مهمی در تعریف و شکل‌دهی به مرزهای طبقاتی در جوامع دورگه (hybrid) و به سرعت در حال تغییر (fast-changing) باشد.

گازو (Gazso) و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «انجام کار خانگی» سعی کردند به تبیین نابرابری جنسیتی در انجام‌دادن کارهای خانه بپردازند. این پژوهش نشان می‌دهد که

عوامل غیر ایدئولوژیک، مانند ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و جمعیت‌شناختی افراد، در شکل سهم‌بری زن و شوهر از قدرت درون خانواده و نحوه مشارکت در امور تأثیر می‌گذارد (Gazso and McMullin, 2003: 346).

احمدی و گروسی (۱۳۸۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن»، به بررسی میزان نابرابری جنسیتی در خانواده‌های کرمانی و عوامل مؤثر در آن (به ویژه عوامل ایدئولوژیک و عقاید قالبی) پرداخته‌اند. بنا بر یافته‌های بررسی، که با استفاده از روش پیمایش و از طریق پرسش‌نامه انجام شد، در این منطقه نابرابری جنسیتی به گونه‌ای محسوس دیده می‌شود. مهم‌ترین عوامل مؤثر در نابرابری جنسیتی در خانواده‌ها عبارت بودند از: سطح تحصیلات زن و مرد، سن زن و مرد، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، جامعه‌پذیری جنسیتی، ایفای نقش جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری، و عقاید قالبی جنسیتی.

دهقان دهنوی (۱۳۸۶) در تحقیقی پژوهشی مقوله نابرابری جنسیتی را در نمونه‌ای متشکل از دانشجویان بررسی کرده است. وی در این تحقیق آورده است: نابرابری جنسیتی یکی از مسائل و مشکلات جامعه است که می‌تواند نظم اجتماعی، توسعه، و حتی ثبات سیاسی را تهدید کند. بنا بر یافته‌های تحقیق، ۹۴/۹ درصد دانشجویان احساس نابرابری بالا و خیلی بالا و ۹۸/۹ درصد انگیزه تحرک اجتماعی بالا و خیلی بالا داشته‌اند. روی هم رفته، ۵۲ درصد از تغییرات انگیزه تحرک اجتماعی با احساس نابرابری تعیین می‌شود که خود دارای ۵ بعد است که به ترتیب تأثیر به شرح زیر است: احساس نابرابری سیاسی، احساس نابرابری حقوقی، احساس نابرابری اجتماعی، احساس نابرابری فرهنگی، و احساس نابرابری اقتصادی.

موحد و همکاران (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی»، با استفاده از روش پیمایش و از طریق پرسش‌نامه به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی مختلف در نگرش زنان درباره تبعیضی که بر آنها اعمال می‌شود می‌پردازند. در این تحقیق از نظریه منابع و مدل نظری کالینز استفاده شده است. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که عواملی نظیر اشتغال و تحصیلات زنان و مادران آنان تأثیر عمده‌ای را در تغییر مناسبات موجود به همراه داشته است. علاوه بر سواد و اشتغال، پایگاه اجتماعی خانواده زن (اعم از خانواده پدری یا

خانواده فعلی وی) نفوذ فراوانی بر توزیع قدرت در خانواده و میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده دارد.

قائمی فر و حمایت‌خواه جهرمی (۱۳۸۸) طی تحقیقی پیمایشی، با عنوان «بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران»، تأثیرات خانواده در هویت جنسیتی دختران را بررسی کردند. یافته‌های این بررسی نشان از هم‌بستگی میان متغیرهای تبعیض جنسیتی، تقسیم کار در خانواده، هرم قدرت در خانواده، و پایگاه اجتماعی اقتصادی با متغیر هویت جنسیتی (سنتی / مدرن) دارد. بدین ترتیب که هر چه تبعیض جنسیتی شدیدتر، تقسیم کار جنسیتی در خانواده سنتی‌تر، هرم قدرت در خانواده سنتی‌تر، و پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تر باشد، هویت دختران نیز به صورت سنتی‌تر شکل گرفته است.

تعدد تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور بیان‌گر این مطلب است که متغیرهای مورد بررسی در این مقاله از اهمیت بسیاری برخوردارند. این تحقیقات یا رابطه بین یکی از متغیرهای تحقیق با متغیرهای دیگر را بررسی کرده‌اند و یا در یافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای مورد بررسی با یکدیگر رابطه دارند. نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که میزان سرمایه خانواده متغیر مهمی است و محققان سعی کرده‌اند از میزان سرمایه در تحلیل‌های نظری و تجربی استفاده کنند که در اکثر این تحقیقات نقش سرمایه و تأثیر آن در متغیرهای دیگر بررسی شده است؛ از طرف دیگر، عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی مؤثر در نابرابری جنسیتی و نقش خانواده‌ها در جامعه‌پذیری فرزندان نیز در اکثر تحقیقات مذکور بررسی شده است، اما در هیچ کدام از تحقیقات انجام‌شده به طور مستقیم به رابطه بین اشکال سرمایه خانواده و تبعیض جنسیتی اشاره نشده است. از نکات دیگر درباره وجه متمایز تحقیق حاضر با سایر تحقیقات انجام‌شده، جامعه آماری مورد بررسی است که از جمله جوامعی است که تحقیقات اندکی درباره آن انجام شده است.

۳. تبعیض جنسیتی

تبعیض جنسیتی نوعی تمایز جنسیتی در اجتماعی شدن است؛ به عبارت دیگر، تبعیض جنسیتی نگرش‌های تمایزآمیز و نابرابر عوامل اجتماعی‌کننده در تربیت دختران و پسران است که در این میان، این تمایز به نوعی به ضرر دختران و به نفع پسران بوده و نگاه تبعیضی به سوی دختران گرایش بیشتری داشته است. تبعیض جنسیتی موجب نابرابری جنسیتی می‌شود؛ نابرابری جنسیتی به وضعیتی اشاره دارد که در آن زنان عموماً تحت سلطه

مردان جامعه قرار دارند و موقعیت زنان و مردان در جامعه به دو حوزه خصوصی و عمومی تفکیک و از یکدیگر متمایز می‌شود. دوبوار (De Beauvoir) بر آن است که نابرابری جنسیتی ساختی اجتماعی و دستاورد فرهنگ مردسالار است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۱۸۳-۱۸۴).

یکی از نظریاتی که درباره نابرابری جنسیتی مطرح است دیدگاه فمینیسم است. فمینیسم نظریه یا جنبشی است که در تلاش برای اثبات یا به‌دست آوردن حقوق اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی برابر با مردان یا برتر از مردان است. محور دیدگاه فمینیسم تشخیص نابرابری‌های جنسیتی است. از دیدگاه فمینیسم، جنسیت یکی از ویژگی‌های اساسی ساختار خانواده است. جنسیت و خانواده ناگزیر با یکدیگر پیوند خورده‌اند و برای اغلب ما حتی فکرکردن به یکی از این دو، بدون داشتن مفروضاتی درباره دیگری، دشوار است. تحلیل‌های فمینیستی بر این باورند که نابرابری جنسیتی و روابط قدرت از ویژگی‌های ساختار خانوادگی محسوب می‌شوند. کلیشه‌های جنسیتی و رفتارهای تربیتی نامتوازن و نابرابر در همان اوان کودکی و در بطن خانواده وجود دارند و به این ترتیب، پایه‌های نابرابری جنسیتی در خانواده ریخته می‌شوند. مارگارت مید (M. Mead) بر این باور بود که ویژگی‌هایی که در فرهنگ جوامع اروپایی (و در بسیاری از نقاط جهان) زنانگی و مردانگی نامیده می‌شوند لزوماً از موقعیت زیستی مذکر یا مؤنث بودن ریشه نمی‌گیرند، بلکه حاصل از الگوهای فرهنگی‌اند که در شکل‌دادن به شخصیت زن یا مرد مؤثرند (هولمز، ۱۳۸۷: ۵۰). سارکیسیان (Sarkisian) و همکاران به این نتیجه رسیدند که تفاوت در نگرش‌های مربوط به نقش‌های سنتی جنسیتی با شکل زندگی خانوادگی ارتباط دارد. بر اساس نظریه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، نابرابری جنسیتی از آغاز کودکی از طریق فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی در پسران و دختران نهادینه می‌شود و هر فردی، بدون توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌اش، بر اساس جنسیت خود به سوی انتخاب نقش اجتماعی‌اش سوق داده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۸).

نظریه فمینیسم خود شاخه‌های گوناگونی دارد که از نظر میزان تغییرات مورد تقاضا درباره نقش‌های جنسیتی در جامعه با هم متفاوت‌اند. در این جا، با توجه به موضوع تحقیق، می‌توان گفت که فمینیسم لیبرال بیش از شاخه‌های دیگر فمینیسم قابلیت به‌کارگیری برای توضیح نتایج تحقیق را دارد. مبانی نظری فمینیسم در چندین کتاب بحث و با شاخه‌های دیگر فمینیسم مقایسه شده است (لیندسی، ۱۹۹۴؛ ریتزر، ۱۳۸۹؛ Donovan, 2001; Zalewski, 2000; Freedman, 2001).

لیبرال فمینیسم (liberal feminism) میانه‌روترین شاخه فمینیسم است و بر آن است که از بین رفتن جنسیت‌گرایی و تبعیض به سود مردان نیز هست، زیرا در این صورت، زنان سطح اشتغال خود را به فعالیت‌های بیرون از خانه ارتقا می‌دهند و مردان نیز در بخشی از زمان خود به انجام‌دادن کارهای درون خانه می‌پردازند.

فمینیست‌های اولیه حقوق زنان را اساساً با تأکید بر توانایی قوه تعقل زنان مطالبه می‌کردند، چرا که نفی عقلانی بودن زن، در نوشته‌های فلسفی و تاریخی، از ارسطو و هیوم گرفته تا هگل و روسو به چشم می‌خورد. آن‌ها استدلال می‌کردند که عقب‌ماندگی زنان نسبت به مردان فقط نتیجه محرومیت آن‌ها از دست‌یابی به امکانات برابر با مردان بوده است. در جامعه‌شناسی مسئله مورد توجه فمینیست‌های لیبرال اثبات این امر بوده است که تفاوت‌های درخور توجه میان زن و مرد ذاتی نیستند، بلکه نتیجه اجتماعی شدن و شرطی‌سازی نقش جنسیتی‌اند. با پسرها و دخترها تقریباً از لحظه تولد با شیوه‌های متفاوتی رفتار می‌شود که احتمالاً زنان را از پرورش تمامی استعدادهایشان در مقام انسان باز می‌دارد (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۴۶).

لیبرال فمینیست‌ها بر آن‌اند که جنس زیست‌شناختی فرد هرگز نباید مبنای تعیین جنسیت اجتماعی و روان‌شناختی او قرار گیرد. اگر مرد و زن بودن را فقط تفاوت‌های بدنی ناشی از ویژگی‌های زیستی بدانیم، جنسیت به این موضوع اشاره دارد که ما یاد می‌گیریم چگونه رفتار کنیم تا این رفتار مطابق زن‌بودن یا مرد‌بودن باشد و اصولاً چگونه می‌توانیم در زندگی روزمره نقش جنسیتی خود را به‌خوبی ایفا کنیم؛ این فرایند اجتماعی شدن (socialization) نام دارد. به نظر جامعه‌شناسان تصور ما از زن‌بودن و مرد‌بودن به شرایط خاص جامعه و فهم ما از دو جنسیت در هر دوره زمانی بستگی دارد. به عبارت دیگر، جنسیت سازه‌ای اجتماعی است (هولمز، ۱۳۸۷: ۶۳). یکی از نظریات مطرح در این زمینه نظریه یادگیری اجتماعی است که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی مطرح است و به موضوع اجتماعی شدن می‌پردازد.

۴. سرمایه خانواده (فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی)

سلامت یک جامعه مستقیماً با کمیت و کیفیت سرمایه‌اش در ارتباط است. جامعه‌ای که سرمایه بیشتری دارد فرآورده‌های بیشتر، قدرت رقابت‌جویی بالاتر، و درآمدهای بالاتری دارد. بحث راجع به سرمایه تاریخی طولانی دارد. نظریه‌های کلاسیک راجع به سرمایه

تصور ملموس از سرمایه داشته‌اند، اما امروزه مفهوم سرمایه گسترش فراوانی پیدا کرده است و به عرصه‌های دیگری مثل مدیریت دانش و فناوری اطلاعات، ساختار، شبکه‌های اجتماعی و منابع نهفته در شبکه‌ها، گردش اطلاعات، قابلیت‌ها، مهارت‌ها، و دانش کارگران نیز اطلاق می‌شود. در این متن و زمینه است که می‌توان نظریه بورديو راجع به انواع سرمایه و نقش آن‌ها در تعیین جایگاه افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی را درک کرد. در واقع، دریافت بورديو از سرمایه وسیع‌تر از منابع پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه منبعی عام است که می‌تواند شکلی پولی و غیر پولی و همچنین ملموس یا غیر ملموس به خود بگیرد. از این رو، در نظر بورديو سرمایه هر منبعی است که در عرصه خارجی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. در متون مختلف از سرمایه‌های گوناگونی سخن به میان آمده است، اما ما با الهام از نظریات بورديو فقط به سه نوع از این انواع سرمایه می‌پردازیم که عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، و سرمایه اقتصادی. بورديو در تعریف سرمایه اقتصادی می‌گوید:

سرمایه اقتصادی به درآمد پولی و همچنین سایر منابع و دارایی‌های مالی گفته می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را در حقوق مالکیت می‌یابد. سرمایه اقتصادی به واسطه خصلتش در دنیای امروز به‌مثابه پول و اشیای مادی است که در مقابل تولید کالا و خدمات به کار می‌رود (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

در ادامه بحث بورديو از نظریه اقتصادی انتقاد می‌کند که عالم را به مبادلات تجاری تقلیل داده و سایر اشکال مبادله را غیر اقتصادی و بنابراین کم‌اهمیت تلقی کرده است (همان: ۱۳۵). استفاده خاص بورديو از مفهوم سرمایه اجتماعی برای درک این مسئله است که چگونه افراد از سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند تا وضعیت اقتصادی‌شان را در جوامع سرمایه‌داری استحکام بخشند. بورديو استدلال می‌کند که در چنین جوامعی سرمایه اقتصادی منبع بسیار مهمی است و مسئله‌ای که وی به آن می‌پردازد این است که چگونه سرمایه اجتماعی و فرهنگی می‌تواند باعث افزایش سرمایه اقتصادی افراد شود. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه‌ای است که به مالکیت شبکه پایداری از روابط کم یا بیش نهادینه‌شده افراد بستگی دارد؛ افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و خود را مدیون یکدیگر می‌دانند (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۸-۹۹). سرمایه اجتماعی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد؛ روابطی که در تمامی لحظات زندگی روزمره

و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و رفتار و نگرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهند بود امکان‌پذیر می‌کند.

یکی از انواع دیگر سرمایه مدنظر بوردیو برای تبیین نابرابری سرمایه فرهنگی است. بوردیو تأثیر سرمایه فرهنگی را در مصرف، فعالیت، و سبک زندگی فرهنگی افراد با توسل به نظریه تمایز بیان می‌کند. مطابق این نظریه، دارندگان سرمایه فرهنگی زیاد خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی از بقیه متمایز می‌کنند. داشتن سرمایه فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد: اولاً، کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها منوط به تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است. کسی که به واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند؛ ثانیاً، داشتن سرمایه فرهنگی بدین معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه فرهنگ انجام دهد. به بیان خود بوردیو «زیبایی‌شناسی محض» از اخلاق یا همان خلق و خوی فاصله گرفتن گزینشی از الزامات طبیعی و اجتماعی نشئت می‌گیرد (همان: ۳۸). وی بر آن است که سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل مطرح باشد: در حالت تجسم‌یافته (embodied): یعنی به شکل خصائل دیرپای فکری و جسمی؛ در حالت عینیت‌یافته (objectified): به شکل کالاهای فرهنگی (تصاویر، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادوات، ماشین‌آلات، و غیره) که ردپا یا تحقق نظریه‌ها یا نقد این نظریه‌ها و غیره است؛ و بالاخره، در حالت نهادینه‌شده: یعنی شکلی از عینیت‌یافتگی که باید حسابش را جدا کرد، زیرا خواص اصلی خود را یک‌سره به سرمایه فرهنگی، که بنا به فرض ضمانت‌کننده آن است، واگذار می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

۵. چهارچوب مفهومی

نظر به این‌که در تحقیق حاضر می‌خواهیم نگرش والدین به تبعیض جنسیتی علیه فرزندان را بررسی کنیم در آغاز به شرح مفهوم تبعیض جنسیتی پرداخته‌ایم. تبعیض جنسیتی یکی از متغیرهای تحقیق است که در سطوح مختلف جامعه اعمال می‌شود و توجه بسیاری از محققان را جلب کرده است. یکی از سطوحی که در آن تبعیض جنسیتی اعمال می‌شود خانواده است. جنسیت و خانواده به یکدیگر پیوند خورده‌اند. درباره جنسیت نظریه‌های بسیاری مطرح است، اما فقط فمینیست‌ها آن را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. نظریه

فمینیسم خود دارای شاخه‌های گوناگونی است که از نظر تغییرات مورد تقاضا در نقش‌های جنسیتی در جامعه با هم متفاوت‌اند. در این جا فمینیسم لیبرال به منزله میانه‌روترین شاخه فمینیسم بررسی شده است، زیرا فمینیسم‌های لیبرال به تبعیض جنسیتی اشاره می‌کنند و بر آن‌اند که در اکثر جوامع زنان را در عرصه خصوصی و مردان را در عرصه عمومی جای داده‌اند که مبنای آن می‌تواند به منزله راهنما در تحقیق حاضر مورد استفاده واقع شود. اگرچه از مدت‌ها قبل برای سرمایه اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده‌اند، اما در جهان معاصر با بسط و گسترش مفهوم سرمایه از اقتصاد به سایر حوزه‌های زندگی بشری و سخن گفتن از انواع سرمایه‌های جدید این اهمیت دوچندان شده است؛ بنابراین، سه نوع از این سرمایه‌ها را انتخاب کردیم تا به توضیح بیشتر درباره آن‌ها پردازیم. این سه نوع سرمایه عبارت‌اند از: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، و سرمایه فرهنگی. این انتخاب تصادفی نبوده است، بلکه با استناد به گفته پیر بوردیو درباره موقعیت اجتماعی فرد در جهان معاصر بوده است که به اعتقاد وی بر اساس ترکیب و حجم سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی) تعیین می‌شود. بوردیو بر قابلیت تبدیل این سرمایه‌ها به هم تأکید می‌ورزد؛ به عبارت دیگر، وی بر آن است که اشکال گوناگون سرمایه می‌توانند به هم تبدیل شوند؛ برای مثال، سرمایه اجتماعی می‌تواند فرد را وارد روابطی کند که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت باشد. به همین ترتیب، تحصیلات این قابلیت را دارد که به سرمایه اقتصادی و گاهی نیز به سرمایه اجتماعی تبدیل شود. بدین صورت که تحصیلات و کسب مدارک عالی مشاغل پردرآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه فقط به پول، بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند. البته موانعی نیز در راه تبدیل انواع سرمایه به یکدیگر وجود دارد؛ کسانی که سرمایه اقتصادی دارند و تازه آن را به دست آورده‌اند، ممکن است هر چه قدر کوشش کنند نتوانند سرمایه فرهنگی را که شامل داشتن سلیقه خوب یا سخن گفتن به طریقی خاص یا دانستن چند زبان خارجی است بیاموزند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

میزان سرمایه در نحوه روابط اجتماعی افراد، ارزش‌ها، نگرش‌ها، و عقاید آن‌ها مؤثر است و کسانی که سرمایه بیشتری در اختیار دارند بهتر می‌توانند روایت خود را از دنیای اجتماعی برساخت کنند. همچنین، نگرش به نابرابری‌های جنسیتی در ابعاد نابرابری در حوزه مشارکت اجتماعی، اشتغال و بازار کار، خانواده، و کلیشه‌های جنسیتی با در

نظر گرفتن میزان سرمایه قابل بررسی است. با توجه به این مسئله و وضعیت جهان معاصر که در آن داشتن سرمایه نقش بسیار مهمی در زندگی افراد ایفا می‌کند، می‌خواهیم بدانیم وضعیت سرمایه در خانواده‌های شهرستان جوانرود چگونه است و مجموع سرمایه‌ها چه میزان از تبعیض جنسیتی در خانواده‌های شهرستان جوانرود را تبیین می‌کنند و بر همین اساس، روش تحقیق مربوطه را انتخاب کردیم.

۶. روش تحقیق

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه و واحد تحلیل فرد است. جامعه آماری والدین شهرستان جوانرود در سال ۱۳۹۰ است که با استفاده از فرمول کوکران حجم جامعه نمونه ۳۷۳ نفر در نظر گرفته شده است که در این پژوهش، برای اطمینان بیشتر و جلوگیری از ایراد پوششی و جواب‌ندادن پاسخ‌گویان، ۳۸۵ نفر از ساکنان شهرستان جوانرود بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای به‌منزله نمونه انتخاب شدند. در نمونه‌گیری طبقه‌ای، به جای آن‌که نمونه خود را یک‌سره از کل جمعیت انتخاب کنیم، باید اطمینان یابیم که تعداد متناسبی از عناصرها از زیرمجموعه‌های همگون جمعیت انتخاب می‌شوند. بر همین اساس، در تحقیق حاضر برای انتخاب نمونه طبقه‌ای از والدین، جمعیت بر حسب محل سکونت (شهر یا روستا) سازمان داده شد و در مرحله بعد بر حسب جنسیت طبقه‌بندی شد، به گونه‌ای که، در میان نمونه‌ها افرادی از همه این طبقات حضور داشتند و می‌توان با احتمال بیشتری در مورد نتیجه تصمیم‌گیری کرد.

۷. تعریف مفاهیم

تبعیض جنسیتی: تبعیض یعنی رفتار منفی نسبت به اعضای یک گروه و تبعیض جنسیتی به تخصیص نابرابر امکانات و فرصت‌ها به افراد با توجه به جنسیت آن‌ها اشاره دارد. گرایش به تبعیض جنسیتی از باورهای ارزشی و تصورات قالبی درباره زنان نشئت می‌گیرد. افراد و نهادها تبعیض جنسیتی را به شیوه‌های مختلف و در سطوح مختلف به کار می‌گیرند. در بیشتر جوامع انسانی، جنسیت، که در واقع دربردارنده ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی جنسیت (پدیده زیستی - طبیعی) است، پایه توزیع نابرابر امکانات، موقعیت‌ها، فرصت‌ها، و پاداش‌ها قرار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۶۷۳).

جدول ۱. تعریف عملیاتی مفهوم تبعیض جنسیتی

گویه	معرف	بعد	گرایش به تبعیض جنسیتی
عموماً پدر و مادر از به دنیا آمدن نوزاد پسر بیشتر از دختر خوشحال می‌شوند. دختران نباید انتظار داشته باشند که خانواده امکاناتی را که در اختیار پسران قرار می‌دهد، در اختیار آن‌ها نیز قرار دهد.	وابستگی به ارزش‌ها	انتظارات جامعه	
به نظر من دخترها نیز باید مثل پسرها از امکانات کافی برای ادامه تحصیل برخوردار باشند.	هماندسازی اجتماعی		
به نظر من پسران بیشتر از دختران برای جامعه مؤثر و مفیدند. به نظر من دختر و پسر هیچ تفاوتی با هم ندارند. همیشه باید تحصیلات پسرها از دخترها بالاتر باشد. بہتر است دختران به دانشگاه نروند، چون ورود دختران به دانشگاه مشکلاتی را در زندگی آنان به وجود می‌آورد. دختران بیشتر از پسران باید رفتارشان کنترل شود. دختران در آینده بیشتر از پسرها می‌توانند به والدینشان کمک کنند.	تمایز در انتخاب دختران و پسران	ارزیابی فایده	
امور خانه‌داری از وظایف زنان به حساب می‌آید و جزء وظایف مردان نیست. اگر قرار باشد بین فرزندانم یکی را به دانشگاه بفرستم، ترجیح می‌دهم پسر را بفرستم تا دخترم را. پدر و مادر باید در تربیت دختران سخت‌گیری بیشتری به خرج دهند. والدین باید به دختران آزادی بیشتری نسبت به پسرانشان بدهند. بین دختر و پسر در آموزش و تربیت نباید تفاوتی وجود داشته باشد.	تمایز در مسئولیت‌پذیری	تصورات قالبی	

سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی به درآمد پولی و همچنین سایر منابع و دارایی‌های مالی گفته می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را در حقوق مالکیت می‌یابد. سرمایه اقتصادی به واسطه خصلتش در دنیای امروز به مثابه پول و اشیای مادی است که در مقابل تولید کالا و خدمات به کار می‌رود (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش برای سرمایه اقتصادی دو بعد در نظر گرفته‌ایم: بعد

اول، شامل میزان درآمد است که معرف آن میزان درآمد خانواده به طور کلی است، و بعد دوم، یعنی سرمایه اقتصادی نیز دارایی‌های مادی و وسایل رفاهی است که آن هم دارای معرف‌های زیر است: برخورداری از وسایل رفاهی، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، نوع و قیمت منزل مسکونی.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکهٔ بادوام روابط کمابیش نهادینه‌شدهٔ آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر، عضویت در یک گروه - است.

جدول ۲. تعریف عملیاتی مفهوم سرمایه اجتماعی

بعد	معرف	گویه
سرمایه اجتماعی	ذهنی - شناختی	مردم تا چه اندازه قابل اعتمادند؟
		تا چه اندازه به دوستان خود اعتماد دارید؟ تا چه اندازه به فامیل درجهٔ یک خود اعتماد دارید؟ مردم تا چه اندازه به قول و قرارهای خود عمل می‌کنند؟
	اعتماد نهادی	مردم تا چه اندازه به عملکرد گروه‌ها، اصناف و اداراتی که با آنها ارتباط دارند اعتماد می‌کنند؟
رفتاری - مشارکتی	مشارکت خیریه‌ای و مذهبی	میزان مشارکت در اعیاد و مراسم مذهبی و انجمن‌های خیریه
	مشارکت اجتماعی	میزان مشارکت در مراسم، راهپیمایی‌ها، انتخابات، سرکشی به آشنایان و دوستان و میزان روابط با آنها
	مشارکت همیارانه	تا چه اندازه مردم شهر در زمان مشکلات به یاری هم می‌شتابند؟

سرمایه فرهنگی: مجموعهٔ ثروت‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب‌شده‌ای برمی‌گردد که به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیک حالت درونی شده به خود می‌گیرد و از سوی دیگر، به صورت موفقیت‌های مادی، سرمایه عینیت‌یافته، میراث فرهنگی به شکل اموال و یا به حالت نهادینه‌شده در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی، و غیره که به استعدادهای فرد عینیت می‌بخشد، تجلی می‌یابد (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۷).

جدول ۳. تعریف عملیاتی مفهوم سرمایه فرهنگی

بعد	معرف	گویه
سرمایه فرهنگی	تجسم‌یافته	مهارت در انواع هنرها
	عینیت‌یافته	استفاده از کالاهای فرهنگی
	نهاده‌شده	استفاده از کالاهای فرهنگی
	کسب مدارک آموزشی	میزان تحصیلات شما چه قدر است؟ آیا مدارک و گواهینامه‌های معتبر دارید؟ (لطفاً نام آن‌ها را ذکر کنید.)
تجسم‌یافته	مهارت در انواع هنرها	تا چه حد در هر یک از هنرهای زیر مهارت دارید؟ موسیقی، زبان انگلیسی، استفاده از کامپیوتر، مهارت در ورزش، هنرهای دستی.
عینیت‌یافته	استفاده از کالاهای فرهنگی	چه قدر از وقت خود را به فعالیت‌های زیر اختصاص می‌دهید؟ مطالعه کتاب و روزنامه و مجله، استفاده از کامپیوتر، تماشای تلویزیون و ماهواره، ورزش کردن. میزان شرکت شما در مراسم و همایش‌های فرهنگی چه قدر است؟
نهاده‌شده	استفاده از کالاهای فرهنگی	از کدام یک از وسایل زیر در خانه استفاده می‌کنید؟ کامپیوتر، دوربین عکاسی، دوربین فیلمبرداری، کتابخانه شخصی، دی وی دی، ماهواره، مجله، و روزنامه. تا چه اندازه از هر کدام از محصولات زیر در منزل خود استفاده می‌کنید؟ مجسمه هنری، تابلوی نقاشی، ابزار آلات موسیقی، مجله و روزنامه، کامپیوتر و اینترنت.
کسب مدارک آموزشی	میزان تحصیلات شما چه قدر است؟ آیا مدارک و گواهینامه‌های معتبر دارید؟ (لطفاً نام آن‌ها را ذکر کنید.)	

۸. اعتبار و پایایی

برای سنجش اعتبار سؤالات از اعتبار صوری (face validity) استفاده شد. منظور از این نوع اعتبار شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۵). نحوه کار بدین گونه بود که سؤالات در نظر گرفته شده برای سنجش مفاهیم اصلی تحقیق به تعدادی از متخصصان و کارشناسان (حوزه جامعه‌شناسی و مخصوصاً آشنا به جامعه مورد بررسی) داده شد تا درباره آن‌ها داوری کنند. بر اساس نتایج ارزیابی متخصصان، برخی از سؤالات حذف و سؤالات دارای اعتبار کافی به‌منزله سؤالات پرسش‌نامه انتخاب شدند. برای محاسبه ضریب پایایی (reliability) ابزار اندازه‌گیری

شیوه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از روش‌های معمول و متداول برای محاسبه هماهنگی درونی سؤالات روش آلفای کرونباخ است. ضریب آلفا در این تحقیق برای متغیر وابسته (تبعیض جنسیتی) ۰/۷۷۳ و برای متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) ۰/۸۳۱ بوده است.

جدول ۴. تحلیل روایی گویه‌های متغیر گرایش به تبعیض جنسیتی

متغیر	شاخص	تعداد گویه	ضریب پایایی
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۹	۰/۷۶
	عینیت یافته	۱۰	۰/۷۰
	نهادینه شده	۷	۰/۷۵
سرمایه اجتماعی	اعتماد عمومی	۶	۰/۷۰
	اعتماد نهادی	۶	۰/۷۴
	مشارکت	۷	۰/۸۰
سرمایه اقتصادی	دارایی و نگرش اقتصادی	۵	۰/۷۴
تبعیض جنسیتی	انتظارات، ارزیابی فایده، تصورات قالبی	۱۴	۰/۷۷

۹. یافته‌های تحقیق

یکی از متغیرهایی که در پژوهش حاضر مورد توجه است و به نظر می‌رسد که افراد مورد بررسی بر مبنای آن تفاوت‌های معناداری دارند، متغیر سن است که در جدول زیر توزیع افراد را بر اساس آن می‌توانیم شاهد باشیم.

جدول ۵. توزیع فراوانی افراد بر حسب سن

سن	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰-۵۹	۶۰-۶۹	جمع
فراوانی	۱۳۶	۱۶۳	۶۵	۱۸	۳	۳۸۵
درصد	۳۵/۳	۴۲/۳	۱۶/۹	۴/۷	۰/۸	۱۰۰
درصد تجمعی	۳۵/۳	۷۷/۶	۹۴/۵	۹۹/۲	۱۰۰	۱۰۰

از متغیرهای دیگر که ممکن است، به‌منزله متغیری زمینه‌ای، بتواند تفاوت‌های جامعه آماری را تبیین کند متغیر جنسیت است که در جدول زیر توزیع افراد را بر اساس آن می‌توانیم شاهد باشیم.

جدول ۶. توزیع فراوانی افراد بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق
مرد	۲۴۰	۶۲/۳
زن	۱۴۵	۳۷/۷
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

از جمله صفات دیگر، که تصویر بهتری از جامعه مورد بررسی را در اختیار می‌گذارد، سطح تحصیلات افراد است که توزیع افراد را در جدول زیر بر اساس آن می‌توانیم شاهد باشیم.

جدول ۷. توزیع فراوانی افراد بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی و راهنمایی	دبیرستان	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	جمع
فراوانی	۳۷	۵۳	۵۵	۱۱۳	۳۶	۵۶	۸	۳۸۵
درصد	۹/۶	۱۳/۸	۱۴/۳	۲۹/۳	۹/۴	۱۴/۵	۲/۱	۱۰۰
درصد تجمعی	۱۶/۶	۳۰/۴	۴۴/۷	۷۴	۸۳/۴	۹۷/۹	۱۰۰	۱۰۰

۱۰. توصیف متغیرهای مستقل

۱.۱۰ سرمایه فرهنگی

میزان سرمایه فرهنگی که از مجموع سه نوع سرمایه تجسم یافته، عینیت یافته، و نهادینه شده به دست آمده است یکی از متغیرهای مستقل است که فراوانی آن در زیر آمده است.

جدول ۸. توزیع درصدی میزان سرمایه فرهنگی بر اساس ابعاد آن (تجسم یافته، عینیت یافته، و نهادینه شده)

سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	عینیت یافته	نهادینه شده
بالا	۲۴/۷	۱۳/۸	۱۷/۸
متوسط	۳۵/۸	۲۵/۵	۳۷/۳
پایین	۳۸/۴	۵۹/۱	۴۳/۴
بی‌پاسخ	۱/۱	۱/۶	۱/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۹. توزیع میزان سرمایه فرهنگی کل

سرمایه فرهنگی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
بالا	۴۶	۱۱/۹	۱۱/۹
متوسط	۱۷۶	۴۵/۷	۵۷/۶
پایین	۱۵۴	۴۰	۹۷/۶
بی پاسخ	۹	۲/۳	۱۰۰
جمع	۳۸۵	۱۰۰	-

جدول ۹ نشان دهنده میزان سرمایه فرهنگی در میان پاسخ گویان است. به طوری که، ۴۰ درصد از پاسخ گویان سرمایه فرهنگی در حد کم، ۴۵/۷ درصد از پاسخ گویان سرمایه فرهنگی در حد متوسط، و ۱۱/۹ درصد از پاسخ گویان سرمایه فرهنگی در حد بالا دارند. همچنین، با توجه به جواب های پاسخ گویان نمی توان میزان سرمایه فرهنگی ۴/۲ درصد از پاسخ گویان را مشخص کرد.

۲.۱۰ سرمایه اجتماعی

میزان سرمایه اجتماعی یکی از متغیرهای مستقل مورد بررسی در این تحقیق است که توزیع آن در میان پاسخ گویان بر اساس ابعاد و همچنین مجموع کل آن ها در زیر آمده است.

جدول ۱۰. توزیع درصدی میزان سرمایه اجتماعی بر اساس ابعاد آن (اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، و مشارکت)

سرمایه اجتماعی	اعتماد عمومی	اعتماد نهادی	مشارکت
بالا	۲۸/۸	۹/۱	۴۲
متوسط	۴۲/۱	۲۶/۵	۳۹/۴
پایین	۲۸/۶	۶۴/۱	۱۸/۱
بی پاسخ	۰/۵	۰/۳	۰/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۱۱. توزیع میزان سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
بالا	۱۲۳	۳۱/۹	۳۱/۹
متوسط	۱۳۸	۳۵/۹	۶۷/۸
پایین	۱۲۲	۳۱/۷	۹۹/۵
بی پاسخ	۲	۰/۵	۱۰۰
جمع	۳۸۵	۱۰۰	-

جدول ۱۱ نشان‌دهنده میزان سرمایه اجتماعی در میان پاسخ‌گویان است. همان گونه که مشاهده می‌شود، ۳۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی در حد بالا، ۳۵/۹ درصد آن‌ها سرمایه اجتماعی در حد متوسط، و ۳۱/۷ درصد آنان سرمایه اجتماعی در حد پایین دارند. همچنین، با توجه به جواب‌های پاسخ‌گویان، نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی ۰/۵ درصد از پاسخ‌گویان را مشخص کرد.

۳.۱۰ سرمایه اقتصادی

میزان سرمایه اقتصادی یکی دیگر از متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر است که فراوانی آن در زیر آمده است.

جدول ۱۲. توزیع میزان سرمایه اقتصادی

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	سرمایه اقتصادی
۲۷	۲۷	۱۰۴	بالا
۵۹/۵	۳۲/۵	۱۲۵	متوسط
۹۹	۳۹/۵	۱۵۲	پایین
۱۰۰	۱	۴	بی‌پاسخ
-	۱۰۰	۳۸۵	جمع

جدول بیان‌گر این است که ۲۷ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه اقتصادی در حد بالا، ۳۲/۵ درصد آن‌ها سرمایه اقتصادی در حد متوسط، و ۳۹/۵ درصد آنان سرمایه اقتصادی در حد پایین دارند. همچنین، با توجه به جواب‌های پاسخ‌گویان، نمی‌توان میزان سرمایه اقتصادی حدود ۱ درصد از آن‌ها را مشخص کرد.

۱۱. توصیف متغیر وابسته

متغیر وابسته در تحقیق حاضر گرایش به تبعیض جنسیتی است که در سطح خرد با معرف‌هایی چون انتظارات جامعه، ارزیابی فایده، و تصورات قالبی بررسی شده است. داده‌های مربوط به متغیر وابسته نشان می‌دهد که ۳۴ درصد از پاسخ‌گویان گرایش به تبعیض جنسیتی در حد بالا، ۱۸/۵ درصد آن‌ها گرایش به تبعیض جنسیتی در حد پایین، و ۴۷/۵ درصد آنان گرایش به تبعیض جنسیتی در حد متوسط دارند. (جدول ۵ و نمودار ۴).

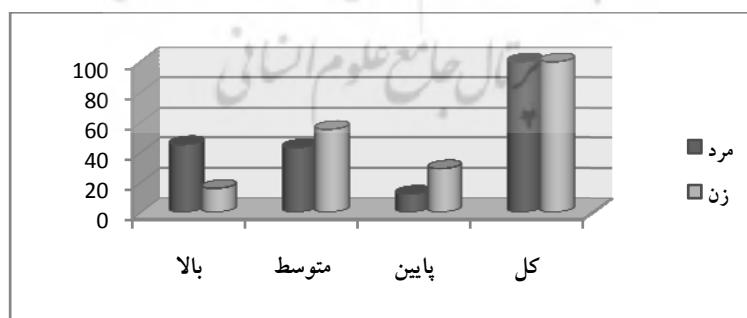
جدول ۱۳. توزیع میزان گرایش به تبعیض جنسیتی در میان پاسخ‌گویان

تبعیض جنسیتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
بالا	۱۳۱	۳۴	۳۴
متوسط	۱۸۳	۴۷/۵	۸۱/۵
پایین	۷۱	۱۸/۵	۱۰۰
جمع	۳۸۵	۱۰۰	۱۰۰

همچنین، آماره‌های مربوط به رابطه بین تبعیض جنسیتی و جنسیت نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معناداری برقرار است. به عبارت دیگر، ۴۵ درصد از مردها گرایش به تبعیض جنسیتی بالا دارند، در حالی که، فقط ۱۵/۹ درصد از زنان گرایش به تبعیض جنسیتی بالا دارند؛ در مقابل، ۲۹ درصد از زنان گرایش به تبعیض جنسیتی کمی دارند که وقتی این درصد را در مردان در نظر می‌گیریم، متوجه می‌شویم که درصد زنان در مقایسه با مردان (۱۲/۱) بیشتر است. همچنین، با توجه به جدول ۶ مشاهده می‌شود که میانگین تبعیض جنسیتی در حالت کلی آن برای مردان (۴۲/۳۰) و برای زنان (۳۶/۲۰) است، یعنی ۶/۱۰ واحد با هم اختلاف دارند و این اختلاف به نفع مردان است. پس، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به تبعیض جنسیتی در میان مردان بیشتر از زنان است.

جدول ۱۴. گرایش به تبعیض جنسیتی بر حسب جنسیت پاسخ‌گویان

جنسیت	تبعیض جنسیتی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
جنسیت	مرد	۲۴۰	۳۶/۲۰	۹/۹۷	۰/۸۳
	زن	۱۴۵	۴۲/۳۰	۸/۴۳	۰/۵۴



نمودار ۲. توزیع میزان گرایش به تبعیض جنسیتی بر اساس جنسیت

۱۲. آزمون فرضیات و تعیین روابط بین متغیرها

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، متغیرهای مستقل را جداگانه با متغیر وابسته مقایسه و تحلیل کردیم. با توجه به این‌که متغیر وابسته و متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. در فرضیه اول رابطه بین سرمایه فرهنگی و گرایش به تبعیض جنسیتی بررسی شد که نتیجه آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۵. هم‌بستگی میان ابعاد سرمایه فرهنگی و گرایش به تبعیض جنسیتی

گرایش به تبعیض جنسیتی		متغیر وابسته متغیر مستقل
سطح معنی داری	r پیرسون	
۰/۰۰۰	-۰/۳۷۶	سرمایه فرهنگی

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، بین سرمایه فرهنگی والدین و گرایش آنان به تبعیض جنسیتی رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد برقرار است و میزان r پیرسون -۰/۳۷۶ است که بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است. به عبارت دیگر، هر چه میزان سرمایه فرهنگی افزایش پیدا کند، میزان گرایش به تبعیض جنسیتی کمتر می‌شود. فرضیه دیگر مربوط به رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش به تبعیض جنسیتی است که نتیجه آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۶. هم‌بستگی میان ابعاد سرمایه فرهنگی و گرایش به تبعیض جنسیتی

گرایش به تبعیض جنسیتی		متغیر وابسته متغیر مستقل
سطح معنی داری	r پیرسون	
۰/۰۴۷	-۰/۱۰۱	سرمایه اجتماعی

داده‌های جدول بیانگر وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و تبعیض جنسیتی است. سطح معناداری sig= ۰/۰۴۷ نشان می‌دهد که با احتمال بیش از ۹۵ درصد رابطه فوق معنادار است و شدت هم‌بستگی r = -۰/۱۰۱ است و این میزان بیانگر رابطه‌ای ضعیف بین دو متغیر است. جهت رابطه نیز معکوس است، یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی میزان تبعیض جنسیتی پایین می‌آید.

یکی دیگر از فرضیات اصلی که در تحقیق حاضر بررسی شد، رابطه بین سرمایه اقتصادی و گرایش به تبعیض جنسیتی است.

جدول ۱۷. هم‌بستگی میان ابعاد سرمایه فرهنگی و گرایش به تبعیض جنسیتی

گرایش به تبعیض جنسیتی		متغیر وابسته
سطح معنی داری	F پیرسون	
۰/۱۱۲	-۰/۰۸۲	سرمایه اقتصادی

با توجه به جدول بالا، اگرچه با افزایش سرمایه اقتصادی گرایش به تبعیض جنسیتی کمتر می‌شود یعنی بین سرمایه اقتصادی و گرایش به تبعیض جنسیتی رابطه منفی برقرار است، اما با توجه به سطح معنی داری (۰/۱۱۲) این رابطه معنادار نیست. برای ارزیابی رابطه بین جنسیت و گرایش به تبعیض جنسیتی، با توجه به سطح سنجش (اسمی - فاصله‌ای)، از آزمون آماری (t-test) استفاده کردیم که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۱۸. نتیجه آزمون (t-test)

آزمون T مستقل			آزمون برابری Leven واریانس		متغیر
Sig.	df	t	Sig.	F	جنسیت
۰/۰۰۰	۳۹۱/۷	۶/۴۰	۰/۰۰۵	۷/۹۶	

با توجه به جدول بالا، سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ نشان می‌دهد که به احتمال بیش از ۹۹ درصد میانگین تبعیض جنسیتی در میان زنان و مردان با هم متفاوت است. بدین ترتیب، فرضیه بالا تأیید می‌شود و به نظر می‌رسد که جنسیت در میزان گرایش به تبعیض جنسیتی تأثیر داشته باشد.

۱۳. رگرسیون چندمتغیره

تحلیل رگرسیون این امکان را به ما می‌دهد که تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کنیم. هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از طریق آماره F پیرسون بررسی شد و نتایج آن برای رد یا تأیید فرضیه به کار رفت. متغیری که در تحلیل رگرسیون ساده با یک متغیر مستقل وارد معادله می‌شود، در مقایسه با مواقعی که به همراه متغیرهای دیگر وارد تحلیل رگرسیون می‌شود، کاملاً متفاوت عمل می‌کند. این امر ناشی از این واقعیت است که متغیرهای مستقل معمولاً هم‌بسته‌اند و موجب پیچیدگی تفسیر می‌شوند. رگرسیون

چندمتغیره می‌تواند به طور هم‌زمان روابط چند متغیر مستقل با متغیر وابسته را تبیین کند تا سهم هر متغیر مستقل در توضیح متغیر وابسته مشخص شود. به عبارت دیگر، رگرسیون چندمتغیره ترتیب و شدت تأثیر یکایک متغیرهای مستقل را هم‌زمان و در رابطه با هم تعیین می‌کند.

در خلاصه مدل رگرسیون که در جدول ۱۹ آمده است، مشاهده می‌شود که مقدار ضریب هم‌بستگی (R) بین متغیرها ۰/۵۰۴ است که نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق هم‌بستگی نسبتاً بالایی برقرار است، اما مقدار ضریب تعدیل‌شده نهایی که برابر ۰/۲۴۲ است نشان می‌دهد که ۲۴/۲ درصد از کل تغییرات میزان گرایش به تبعیض جنسیتی در این تحقیق وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده در این مدل است؛ به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل حدود ۲۴ درصد واریانس متغیر وابسته را برآورد می‌کنند.

جدول ۱۹. خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	R square	R square
	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	تعدیل‌شده
۱	۰/۵۰۴	۰/۲۵۴	۰/۲۴۲

متغیرهای مستقل: سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سن، جنسیت، و محل سکونت.

۱۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج حاکی از این بود که ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه فرهنگی در حد کم، ۴۵/۷ درصد آن‌ها سرمایه فرهنگی در حد متوسط، و ۱۱/۹ درصد آنان سرمایه فرهنگی در حد بالا دارند. به طور کلی، می‌توان گفت که میزان سرمایه فرهنگی در جامعه مورد بررسی پایین است. نتایج مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی نشان داد که ۳۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی در حد بالا، ۳۵/۹ درصد آن‌ها سرمایه اجتماعی در حد متوسط، و ۳۱/۷ درصد آنان سرمایه اجتماعی در حد پایین دارند. آخرین سرمایه مستقل در این پژوهش سرمایه اقتصادی بود، توصیف داده‌های مربوط به این سرمایه نیز نشان داد که ۲۷ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه اقتصادی در حد بالا، ۳۲/۵ درصد آن‌ها سرمایه اقتصادی در حد متوسط، و ۳۹/۵ درصد آنان سرمایه اقتصادی در حد پایین دارند. بعد از توصیف متغیرهای مستقل، نوبت به توصیف متغیر وابسته رسید و نتایج نشان داد که ۳۴

درصد از پاسخ‌گویان میزان گرایش به تبعیض جنسیتی بالا دارند. در مقابل، ۱۸/۵ درصد آن‌ها میزان گرایش به تبعیض جنسیتی پایین، و ۴۷/۵ درصد آنان میزان گرایش به تبعیض جنسیتی در حد متوسط دارند.

نتایج تحلیل دومتغیره متغیرهای مستقل و زمینه‌ای با تبعیض جنسیتی نشان می‌دهد که بین جنسیت، سرمایه فرهنگی، و سرمایه اجتماعی با گرایش به تبعیض جنسیتی رابطه معنی‌داری برقرار است. یکی از فرضیه‌های اصلی این پژوهش این است که بین میزان سرمایه فرهنگی با گرایش به تبعیض جنسیتی رابطه برقرار است؛ برای بررسی فرضیه فوق، بنا بر سطوح سنجش (فاصله‌ای - فاصله‌ای)، از آماره t پیرسون استفاده کردیم که فرضیه فوق در سطح معناداری $Sig = 0/000$ تأیید شد. شدت هم‌بستگی $r = -0/376$ است که این میزان بیان‌گر رابطه متوسط و مستقیم است. جهت این رابطه معکوس است، یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی میزان تبعیض جنسیتی پایین می‌آید و برعکس. فرضیه بعدی درباره ارتباط بین میزان سرمایه اجتماعی والدین و گرایش آن‌ها به تبعیض جنسیتی است. این فرضیه هم در سطح معناداری $0/047$ تأیید شد و میزان آن $r = -0/101$ است که نشان‌دهنده رابطه منفی و مستقیم بین سرمایه اجتماعی و گرایش به تبعیض جنسیتی است. بررسی رابطه بین سرمایه اقتصادی و گرایش به تبعیض جنسیتی نیز نشان داد که میان سرمایه اقتصادی و گرایش به تبعیض جنسیتی رابطه معناداری برقرار نبود. در تحلیل این فرضیه هم می‌توان به فاصله کم افراد از لحاظ اقتصادی و بیان‌شدن سرمایه واقعی از سوی پاسخ‌گویان اشاره کرد، اما بین میزان سرمایه کل، که از مجموع سه نوع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی) به دست آوردیم، با گرایش به تبعیض جنسیتی رابطه معنادار ($p > 0/01$) برقرار است و میزان آن $-0/298$ است. این میزان بیان‌گر رابطه‌ای متوسط و منفی بین دو متغیر است، یعنی با افزایش میزان سرمایه والدین میزان گرایش آنان به تبعیض جنسیتی پایین می‌آید و برعکس. جامعه‌ای که مطالعه کردیم بدون شک جامعه صنعتی پیشرفته‌ای نیست. در واقع، بوردیو نظریه اشکال سرمایه خود را درباره یک جامعه صنعتی پیشرفته بیان کرده است که در آن تمایز ساختاری کاملی اتفاق افتاده باشد. به نظر بوردیو، بنیاد دنیای مدرن بر فرایند تمایز استوار است و تمایز اصل حاکم بر جامعه مدرن است - تمایز منش‌هایی که از سلیقه‌های متفاوت بهره می‌برند و تمایز میدان‌هایی که از استقلال نسبی برخوردارند. نظریه میدانی بوردیو درباره این فرایند تمایز شکل گرفته است. از نظر بوردیو، میدان فضای اجتماعی نسبتاً مستقلی است که خودبستگی آن در اعمالی مشاهده می‌شود که از منطق

متمایز میدان تبعیت می‌کنند؛ بورديو بر آن است که در جوامع ساده پیشاصنعتی تعداد میدان‌های مؤثر نسبتاً محدود است و هر قدر جامعه به لحاظ فناوری پیچیده‌تر و به لحاظ اجتماعی تمایز یافته‌تر باشد، میدان‌های بیشتری وجود خواهند داشت. از سوی دیگر، به نظر بورديو هر یک از این میدان‌ها شرایط بازی، موضوعات، و منافع خاص خود را دارند. این خرده‌فضاها نسبت به یکدیگر خودسالاری دارند، یعنی در تنظیم قواعد خود آزادند و دور از تأثیرات دیگرسالارانه میدان‌های دیگر اجتماعی به کار خود ادامه می‌دهند (بورديو، ۱۳۸۹: ۸۳).

اما جامعه مورد مطالعه ما اگرچه جامعه‌ای کاملاً سنتی نیست، اما بدون شک جامعه صنعتی پیشرفته‌ای هم منطبق با آنچه بورديو می‌گوید، نیست. در این جامعه هنوز تعداد میدان‌های مستقل بسیار اندک است و استقلال نسبی میدان‌ها بسیار ناچیز است. در قلمرو خانواده، هنوز واحدهای وسیع خویشاوندی کاملاً گستردگی خود را از دست نداده است و واحدهای هسته‌ای خانواده جای آن‌ها را نگرفته است. از نظر طبقاتی، تحرک جغرافیایی و اجتماعی آن‌چنان نبوده است که نظام‌های سلسله‌مراتب سنتی را سست کند؛ در جامعه مذکور اگرچه شهرنشینی و نهادهای شهری و افزایش نسبی جمعیت شهری به وجود آمده است، اما شهرگرایی (به منزله مرحله نهایی شهرنشینی) هنوز شکل نگرفته است و تغییراتی عمده در ارزش‌ها، عقاید، رسوم اخلاقی، و رفتارهای اجتماعی افراد صورت نگرفته است. نتایج توصیفی تحقیق و نبود تفاوت‌های شاخص بین ساکنان شهر با ساکنان روستا در هماهنگی با این بحث است و آن را تأیید می‌کند؛ بنابراین، به علل مختلفی، همچون نبود مدرنیزاسیون اقتصادی و صنعتی‌نشدن منطقه، تفکیک میدانی چندانی هنوز در این جامعه صورت نگرفته است و قواعد و مقررات برخی از میدان‌ها به سایر میدان‌ها حاکم شده و استقلال آنان را سلب کرده است.

با توجه به نتایج تحقیق، سرمایه فرهنگی بیش از سایر سرمایه‌ها در گرایش به تبعیض جنسیتی تأثیر دارد. برای تبیین این مسئله باید به قابلیت تبدیل سرمایه از نظر بورديو اشاره کرد. بورديو بر آن است که کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها منوط به تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است. در واقع، به نظر وی تحصیلات و کسب مدارک عالی مشاغل پردرآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول، بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت‌بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند. البته موانعی نیز در راه تبدیل انواع

سرمایه به یکدیگر وجود دارد؛ کسانی که سرمایه اقتصادی دارند و تازه آن را به دست آورده‌اند ممکن است هر چه قدر کوشش کنند نتوانند سرمایه فرهنگی را که شامل داشتن سلیقه خوب، یا سخن گفتن به طریقی خاص، یا دانستن چند زبان خارجی است، بیاموزند. بر این اساس، باید گفت که در جامعه مورد مطالعه به سبب نبود رونق کشاورزی و دامداری، نبود رشد اقتصادی، و نبود مراکز صنعتی، معیشت بیشتر افراد از طریق فعالیت‌های خدماتی و مخصوصاً اشتغال در نهادها و سازمان‌های دولتی تأمین می‌شود، که لازمه اصلی ورود به آن‌ها (مراکز دولتی) داشتن سرمایه فرهنگی نهادینه شده است؛ بنابراین، یکی از راه‌های اصلی برای کسب جایگاهی مناسب در جامعه کسب سرمایه فرهنگی نهادینه شده است. به عبارت دیگر، سطح تحصیلات محدودیت‌هایی را بر نوع حرفه‌ای که شخص در آن وارد می‌شود، درآمد وی، و وجهه اجتماعی‌اش اعمال می‌کند و در شبکه‌های ارتباطی که فرد در سراسر عمر با آن روبه‌رو است، تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که کسب مدارک تحصیلی یکی از مهم‌ترین راه‌های تحرک صعودی در این شهرستان به حساب می‌آید و به سبب این‌که این سرمایه به نسبت سایر سرمایه‌ها قابلیت تبدیل‌پذیری بیشتری دارد، پس می‌توان گفت که افراد با سرمایه فرهنگی بالاتر پایگاه اجتماعی بالاتری دارند که خود این پایگاه عادت‌واره‌های خاصی را ایجاد می‌کند و این افراد بیشتر زیر ذره‌بین اجتماعی قرار می‌گیرند. تبعیض جنسیتی یکی از مسائلی است که بیشتر از مسائل دیگر به آن توجه می‌شود. پس، این افراد باید فرصت‌های برابر را فارغ از جنسیت برای فرزندانشان فراهم کنند. همچنین، با افزایش میزان سرمایه فرهنگی میزان تغییر نگرش‌های سستی بیشتر می‌شود، از جمله نگرش پدرسالارانه نسبت به زن و محدود کردن زن به فضای خصوصی کمتر می‌شود و این افراد بیشتر با حضور زنان در فضاهای اجتماعی موافقت می‌کنند، زیرا خود آن‌ها در چنین محیط‌هایی با زنان همکار می‌شوند و به توانایی آنان پی می‌برند و در نتیجه کمتر گرایش به تبعیض جنسیتی دارند. به طور کلی، می‌توان گفت که با توجه به نتایج تحقیق حاضر، بهترین راهکار ارائه شده به منظور برابری جنسیتی و کاهش تبعیض افزایش سرمایه فرهنگی خانواده و والدین است که با افزایش آن سایر سرمایه‌ها نیز افزایش می‌یابند. برای تحقق این امر هم نهادهای دولتی و هم نهادهای غیر دولتی می‌توانند با ارائه برنامه‌های فرهنگی مناسب به ارتقای نگرش به زن کمک کنند. در ضمن، تحقیقات انجام شده حاکی از تأثیر مثبت رسانه و وسایل ارتباط جمعی است.

پی‌نوشت

۱. مقاله حاضر مربوط به پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته جامعه‌شناسی است. سرمایه خانواده مفهومی است که از مجموع سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی خانواده تشکیل شده است. منظور از سرمایه خانواده والدین است و برای سنجش میزان آن نخست، میزان هر کدام از سرمایه‌های فوق در بین والدین هر خانواده در جامعه مورد بررسی ارزیابی می‌شود و سپس، از مجموع میزان این سرمایه‌ها متغیر جدید به عنوان سرمایه خانواده مطرح می‌شود.
۲. تعداد کل شاغلان بالای ۱۰ سال ۸۸۲۵ نفر بوده است که از این تعداد ۸۳۸۴ نفر مرد و ۴۴۱ نفر زن بوده‌اند، یعنی سهم زنان شاغل فقط ۵ درصد جمعیت شاغل شهرستان بوده است.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- استونز، راب (۱۳۸۳). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.
- باینگانی، بهمن (۱۳۸۸). «بررسی اشکال سرمایه اجتماعی بر رضایت از زندگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بدار، لوک (۱۳۸۶). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی، تهران: سالوان.
- بورديو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- بورديو، پیر (۱۳۸۴). «شکل‌های سرمایه»، در *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، گردآوری کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- بورديو، پیر (۱۳۸۹). *تمايز: نقد اجتماعی قضاوت‌های شخصی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). *پیر بورديو*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- دهقان دهنوی، آزاده (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و موقعیت شغلی دانشجویان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء.
- راوودراد، اعظم (۱۳۸۱). «مقایسه نقش محقق و مورد انتظار زنان تهرانی»، *معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی*، دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه (۱۳۸۸). دفتر آمار و اطلاعات حوزه برنامه‌ریزی استانداری کرمانشاه.
- سایت سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۸۹). www.sanjesh.org.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شویره، کریستیان و اولیویه فونتن (۱۳۸۵). *واژگان پیر بورديو*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.

- فیلد، جان (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابون بقایی، تهران: دیگر.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۵). *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: افکار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۹). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*، www.amar.ir.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «تمایز جنسی روستاییان در کار»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۵.
- موحد و دیگران (۱۳۸۴). «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی»، *مجله پژوهش زنان*، ش ۲.
- میشل، آندره (۱۳۷۶). *پیکار با تبعیض جنسیتی*، ترجمه محمدمهدی پوینده، تهران: نگاه.
- هولمز، ماری (۱۳۸۷). *جنسیت و زندگی روزمره*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نقد افکار.

- Adkins, Lisa (2005). 'Social Capital, The Anatomy of Troubled Concept', in *Feminist Theory*, No. 6.
- Bandura, A. (1993). 'Perceived Self-efficacy in Cognitive Development and Functioning', *Educational Psychologist*, No. 28.
- Bourdieu, P. (1989). 'The Form of Capital', In J. G. Richardson (ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, P. and J.-C. Passeron (1979). *The Inheritors: French Students and their Relations to Culture*, Chicago: University of Chicago Press.
- Donald, G. Stephen and S. Daniel Hamermesh (2004). *What is Discrimination? Gender in the American Economic Association*, Texas: University of Texas at Austin.
- Donovan, J. (2001). *Feminist Theory*, New York: The Continuum International Publishing Group Inc.
- Doyle, J. A. and M. A. Paludi (1998). *Sex and Gender: The Human Experience*, Boston: McGraw Hill.
- Esteve-Volart, Berta (2008). *Gender Discrimination and Growth: Theory and Evidence from India*, London: London School of Economics and Political Science.
- Gazso, W. A. and J. A. McMullin (2003). 'Doing Domestic Labour', *Canadian Journal of Sociology*, 28(3).
- Hull, K. E. (2002). 'Review of Masculine Domination', *Social Force*, 81(1).
- Lin, N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, UK: Cambridge University Press
- Mehus, Ingar (2005). 'Distinction Through Sport Consumption: Spectators of Soccer, Basketball, and Ski-jumping', *International Review for the Sociology of Sport*, No. 40.
- Park, Hyunjoon (2007). 'Inequality of Educational Opportunity in Korea by Gender, Socio-Economic Background, and Family Structure', *Department of Sociology*, University of Pennsylvania.

- Renk, k. et al. (2007). 'Gender and Age Differences in the Topic of Parent Adolescent Conflict', *The Family Journal Counseling and Theapy for Gouples and families*, Vol. 13, No. 2.
- Sigeto, Tanaka (2011). 'The Family, Marriage, and Gender Inequality', *Quantitative Analysis of Economic Situation After Divorce*, Tohoku University.
- Wang and T. Yamagishi (2005). 'Grip-based and Gender Differences in China', *Asian Journal of Social Psychology*, No. 8.

